

مثنوی سرایی از آغاز تا قرن دوازدهم هجری

دکتر هاشم محمدی

قالب چندان مورد توجه نبوده و هرگز شاهکاری مانند آنچه که در ادبیات فارسی پدید آمده در این نوع شعری به وجود نیامده است. (۳)

**

از آغاز گسترش و رواج زبان و ادبیات فارسی در قرن چهارم هجری و در دوره سامانی مثنوی سرایی هم رواج فراوان یافت. رودکی پدر شعر فارسی با سرودن چند مثنوی به نام های کلیله و دمنه، سندیادنامه، عرایس النفائس، دوران آفتاب و چندین مثنوی کوتاه و بلند دیگر، راه مثنوی سرایی را برای کسانی دیگر چون: ابوشکور بلخی، ابوالمؤید بلخی و بختیاری و ... هموار کرد.

*

در دوره غزنویان، مثنوی های فراوانی پدید آمد که در بحرهای و وزن های مختلف و با موضوعات گوناگون و متنوع همراه بود. استاد دکتر محجوب ۱۷ نمونه از مثنوی ها را در بحر متقارب مثنی و ۸ نمونه را در بحر خفیف و ۵ مثنوی به بحر هزج سلس مقصور و چندین مثنوی دیگر را در بحر رمل

مثنوی به معنی دوگانی در ردیف اشعاری است که در وزن یکی باشند و دارای قافیه ای مستقل و منسوب به کلمه مثنی، مرادف اثتین اثتین - که دو تا دو تا یا دوگانی - است. کلمه مزدوج را نیز به همین معنی به کار برده اند. (۱)

تعداد ابیات و وزن مثنوی محدود نیست و بدین سبب این نوع شعر را برای ساختن تواریخ و قصص و افسانه های طولانی به کار می برند که نظم آن در قالب دیگر، همچون قصیده دشوار است. (۲)

**

توجه به مثنوی سرایی از قدیم ترین دوره های شعر فارسی آغاز شده و شاعران اشعار کوتاه یا بلندی را در این قالب سروده و شاهکارهایی چون شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی را پدید آورده اند.

**

توجه فراوان ایرانیان به این نوع شعر نشان می دهد که قالب مثنوی با ذوق و روحیه مردم ایران بسیار سازگار بوده است. در ادبیات عرب، این

سیر تاریخی مثنوی سرایی از قرن چهارم هجری و توجه فراوان ایرانیان به این نوع رویکرد ادبی و ذکر مثنوی های مهم از آغاز تا قرن دوازدهم هجری، گوناگونی مثنوی ها در قالب و بحر و وزن و ساختار ظاهری و نیز محتوا، آوردن قالب غزل در مثنوی و ادامه این سبک به صورت های متنوع در دوره های شعری، رواج مثنوی های ذوبحرین و متلون و ... همچون ساقی نامه ها، مثنوی های سوز و گداز و سرانجام معرفی «مثنوی پیر و جوان» میرزا نصیرالدین اصفهانی ملقب به خواجه نصیر ثانی و تحلیل بررسی این مثنوی از دیدگاه های مختلف و ذکر بعضی جزئیات متفاوت با سایر مثنوی ها از جمله موضوعاتی است که در این مقاله بدان پرداخته شده است.

و هزج مسدس اخرب یادآوری نموده اند. (۲)
در دوره سلجوقی، مثنوی هایی با موضوعات مختلف حماسی، عاشقانه، هجوآمیز، حکمت آمیز و پند و اندرز مورد توجه کامل قرار گرفت که مثنوی های حماسی: گرشاسب نامه اسدی طوسی، بهمن نامه ایران شاه ابی الخیر فرامرنامه، برزنامه، شهریارنامه و مثنوی های عاشقانه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و مثنوی های حکمت آمیز سنایی قابل ذکرند. (۵)

از همین دوره و آغاز قرن ششم هجری قمری با سرودن «حدیقه الحقیقه» سنایی دوره مثنوی سرایی عرفانی آغاز می شود که مورد تقلید عطار و مولانا قرار می گیرد و در قرن هفتم سعدی شیرازی، مثنوی جاویدان بوستان را، بر همین روش می سراید. همچنین در همین دوره، مجموعه ای از مثنویات اخلاقی و حکمت آمیز و عاشقانه و حماسی خلق می شود که آغازگر آن نظامی است که خمسه او مورد تقلید شاعران زیادی پس از وی قرار می گیرد و از مهمترین مقلدان او می توان امیر خسرو دهلوی را نام برد. (۶)

پرکارترین مثنوی سرای ایران در قرن نهم هجری جامی است که مثنوی هفت اورنگ او معروف است. در قرن نهم و دهم هم مثنوی سازان بزرگ همچون: کاتبی ترشیزی، مکتبی شیرازی، اهلی شیرازی، هاتقی خرجردی و ... را می توان نام برد. (۷)

سرودن حماسه های ملی و تاریخی، نظم داستان های قهرمانی ملی و حماسه های دینی، منظومه های داستانی از دیگر انواع مثنوی هایی است که از قرن دهم تا دوازدهم و به بعد رواج گرفت. استاد دکتر منصور رستگار، تمام مثنوی های بلند و کوتاه را در سه شرط مشترک و همانند دانسته اند و یادآوری کرده اند که اگرچه از حیث تعداد ابیات مثنوی ها با هم متفاوتند اما در سه شرط مشترکند که دو شرط از این سه شرط، تخطی ناپذیر است:

۱- مثنوی، چه کوتاه و چه بلند، در یک وزن سروده می شوند، چون بوستان سعدی، مثنوی مولوی حدیقه الحقیقه سنایی، منطق الطیر عطار و ...

۲- مثنوی های بلند اگرچه به طور مستقل دارای یک وزن در سراسر داستان هستند اما این وزن خاص براساس مفاهیم و معانی موجود در مثنوی برگزیده می شود، مثلاً بحر متقارب بیشتر برای بیان مفاهیم حماسی به کار می رود و اوزان رمل و خفیف برای سرودن مثنوی های عرفانی و عاشقانه. ۳- در

بسیار لطیف و دل انگیز و از جمله غزل های قدیم فارسی است که مقرون به روانی و انسجام لفظ و دقت و باریکی معانی است. (۹)

استاد دکتر ذبیح الله صفا، مصحح کتاب حدیس می زند که علت اصلی آوردن غزل در این مثنوی یا داستان، این بوده است که در اصل داستان یعنی ماخذ عربی، ابیات عاشقانه و غزل های حزن آوری از عاشق روایت شده و ناقل داستان به شعر فارسی هر جا به این ابیات و اشعار عاشقانه (که حکم غزل ما را دارد) رسیده، یک غزل را در میان مثنوی گنجانیده است. (۱۰)

ابتکار عیوقی در قرن هفتم مورد توجه امیر خسرو دهلوی قرار می گیرد و در منظومه قران السعدین با آوردن تعدادی غزل و قصیده در ضمن مثنوی، در واقع کار عیوقی را تکمیل می کند و به وزن عمومی مثنوی پشت می کند و قصاید و غزلیات را در وزنی دیگر می آورد.

امیر خسرو ۲۱ غزل و یک قصیده کامل در ضمن مثنوی خود می آورد و در مثنوی «نه سپهر» خود تنوع دیگری به کار می بندد که این مثنوی را در ۹ فصل و هر کدام با وزنی جداگانه می سراید، و در پایان هر کدام هم غزلی آورده است. (۱۱)

پس از امیر خسرو دهلوی، عبید زاکانی در قرن هشتم هجری در منظومه کوتاه «عشاقنامه» این تجربه را تکرار می کند و همانند عیوقی در ضمن مثنوی به غزلگویی می پردازد و ۶ غزل را در مثنوی ۶۰۰ بیتی خود به کار می برد. (۱۲)

نوآوری و تنوع دیگر در مثنوی، ساختن مثنویات ذوبحرین یا ملون است که بدون تغییر در کلمات شعر می توان آن را به دو وزن عروضی یا بیشتر خواند، همانند کاتبی ترشیزی و مثنوی های او به نام های مجمع البحرين و تجنیسات که به دو بحر سریع مسدس مطوی و رمل مسدس مقصور ساخته شده است. (۱۳)

البته، در تذکره دولتشاه سمرقندی، داستان یوسف و زلیخایی را به «عمق بخاری» نسبت داده اند که به دو بحر و وزن خوانده می شد، اما اثری از این منظومه نیست.

اما مهمترین شاعری که پس از کاتبی، مثنوی ملون را به گونه ای بسیار زیبا و هنرمندانه بیان کرد و تنوع مثنوی گویی را در سه بند وزن، قافیه، تجنیس یا صنعت جناس رعایت کرده اهلی شیرازی در مثنوی سحر حلال است که به کاتبی نظر داشت با این خصوصیات که منظومه وی ذوقاقتین هم است. در واقع پس از اهلی شیرازی، دیگر کسی چنین هنرنمایی نکرد و اگر مواردی هم بوده است فقط در

□ ابتکار عیوقی در قرن هفتم مورد

توجه امیر خسرو دهلوی قرار

می گیرد. وی در منظومه

قران السعدین با آوردن تعدادی

غزل و قصیده در ضمن مثنوی، کار

عیوقی را تکمیل می کند و قصاید و

غزلیات را در وزن دیگر غیر از وزن

مثنوی می سازد.

مثنوی، قالب های دیگر همچون غزل و قصیده به کار گرفته نمی شود و تمام منظومه معمولاً از جهت قوافی مثنوی است. تنوع مفاهیم در مثنوی سبب تغییر وزن نمی شود مثلاً سعدی در بوستان اگرچه مطالب متنوعی را بیان می کند ولی نیازی به تغییر وزن نمی بیند، یا فردوسی چه برای مقاصد حماسی و چه مفاهیم غنایی، همان یک وزن حاکم بر کل منظومه را رعایت می کند. اما در بعضی از مثنوی های شعر فارسی، شاعر، قصیده یا غزل را در مثنوی وارد کرده و وزن واحدی را رعایت نکرده است که این امر نخست در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی در قرن پنجم هجری دیده می شود. (۸)

ورقه و گلشاه مثنوی بلند و عاشقانه و حماسی است که عیوقی نامی، آن را در بحر متقارب مثنوی مقصور سروده است که اصل داستان از ماخذ عربی است. در این منظومه، چند بار غزل هایی به بحر متقارب یعنی وزن اصلی منظومه آمده است که در آنها به روش غزل گویان، رعایت ایراد قوافی در اواخر ابیات شده است که این کار در ادبیات فارسی تازگی دارد. ده غزل در میان مثنوی جا گرفته که

حد یک قصیده ملون و ذوقافین بوده است، نه یک مثنوی طولانی یا کوتاه.

نوآوری دیگر از نظر قالب و محتوا در مثنوی، ساقی نامه است که نوع خاصی از مثنوی و در بحر مقارب و یا هزج و رمل و بحرهای دیگری است که شاعر ضمن آن خطاب به ساقی یا معنی از ناپایداری دنیا و رنج های روحی و دردهای درونی سخن به میان می آورد و چاشنی پند و اندرز بر آن می افزاید. ساقی نامه دو گونه است: مستقل و جداگانه، یا به صورت قطعات و ابیات متفرق ضمن مثنوی های گوناگون تاریخی و عشقی و بزمی در نوع اول از ساقی نامه های حافظ و ظهوری و در نوع دوم از ساقی نامه های نظامی و امیر خسرو دهلوی و جامی می توان نام برد.

میر عبدالنسی فخر الزمانی قزوینی، تذکره ای به نام میخانه دارد که در آن ترجمه احوال بیش از ۴۰ تن از ساقی نامه سرایان را گنجانیده است.

قرن دوازدهم هجری به جز مثنوی های عشقی و غنایی و بزمی، یا اخلاقی و تعلیمی و موعظه آمیز و مذهبی و تاریخی و ساقی نامه نوع دیگری از مثنوی به نام «سوز و گداز» به وجود آمد که بازتاب فشارهای روحی و سوزهای قلبی سخنوران در اثر عشق و دلدادگی و تأثیر هیجان انگیز عشق در قلوب آنهاست. از سرایندهگان مثنویات سوز و گداز سراج آرزو، محمد صادق تفرشی، آذر بیگدلی و طیب اصفهانی را می توان نام برد.

□ مثنوی سرایی از قدیم ترین دوره های شعر فارسی مورد توجه بود و این امر نشان می دهد که قالب مثنوی با ذوق و روحیه ایرانی بسیار سازگار بوده است در حالی که از این قالب شعری در میان اعراب چندان استقبال نشده و شاهکاری مانند آنچه در ادبیات فارسی در قالب مثنوی پدید آمده، خلق نکرده اند.

در همین قرن نیز سرایندگانی بوده اند که اشعار آنان را به اصطلاح درجه دوم دانسته اند و گفته اند که

چندان در خور تحقیق نیست. اما باید اذعان کرد که هر اثر برجسته منظوم یا منثور که از جاذبه هنری برخوردار و مایه رشد و تکامل ادب فارسی باشد و از ذوق و قریحه هر کسی تراویده، لایق بررسی و دقت است. (۱۴)

یکی از عالی ترین مثنوی های این دوره (سده ۱۲ هجری) که زاینده طبع و قواد و سحرآفرین میرزا نصیرالدین محمد (میرزا نصیرالدین اصفهانی) معروف به خواجه «نصیرثانی» طیب و دانشمند و سخنور معروف دوره کریم خان زند، با نام مثنوی پیر و جوان شهرت داشت که به وزن خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. این منظومه در اوج بلاغت و روانی است و دانشمندان سخن سنج مادر هر دوره و زمان به ستایش آن پرداخته اند. استاد فقید ملک الشعرای بهار در کتاب «سبک شناسی» خود با اشاره به سبک سخنگویی شعرای مشهور قرن ۱۲ هجری، چنین می نویسد: «میرزا نصیر طیب اصفهانی مثنوی پیر و جوان را به لطافت نظامی و پر مغزی حافظ سروده. (۱۵)

دانشمند فقید دکتر لطفعلی صورنگر، این منظومه را مثنوی بسیار شیرین و دل انگیز می نامد و درباره آن چنین می نویسد: «در مثنوی بسیار شیرین و دل انگیزی که میرزا نصیر اصفهانی در قرن گذشته سروده و امروز به نام مثنوی جوان و پیر مشهور است.. آغاز شعر فارسی و خدمتی را که محمد و صیف



در زمان یعقوب لیث صفاری درباره زبان فارسی آغاز کرد و رودکی و همزمانان او دنبال کردند را به خاطر می آورد. (۱۶)

استاد دانشمند دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب نفیس «سیری در شعر فارسی» قریحه شاعری و آثار بدیع میرزا نصیرالدین رامی ستاید و می نویسد: «منظومه کوتاه بهاریه او، معروف به مثنوی پیر و جوان شهرت و رواج فوق العاده دارد. او را در عصر خویش به سبب احاطه بر علوم مختلف، تالی خواجه نصیرالدین طوسی می شمردند و نصیر ثانی می خواندند. (۱۷)

مثنوی پیر و جوان

مثنوی پیر و جوان با این بیت آغاز می شود:

شبی با نوجوانی گفت پیری کهن دردی کشی،

صافی ضمیری

شامل ۳۰۲ بیت و در بحر هزج مسدس مقصور (مفاعیلین، مفاعیلین، فعولن) توصیف تجسم آمیز آلام روحی و درد دل های دو نسل است، نسل جوان که تازه پایه عرصه اجتماع گذاشته و لذت زندگی را احساس می کند و نسل پیر، که در آخرین مرحله زندگانی زودگذر به سر می برد. این دو نسل، هر کدام نماینده خصال و سجایا و خلقیات خاص خود هستند.

منظومه به صورت پرسش و پاسخ، بین یک پیر و یک جوان است که همانند مثنوی های گذشته، شاعر حکایتی را در ۳۲ بیت در لابلای داستان آورده است و در واقع تأییدی از گفته های پیر برای جوان است.

ابتدای مثنوی، همانند مثنوی مولانا از بخش تمحیدیه و مناجات که شامل حمد و ستایش ذات احدیت و نعت رسول اکرم (ص) و دیگر پیشوایان دینی است، خالی است. اما در ابتکاری دیگر در پایان کلام و به هنگام نتیجه گیری از پرسش و پاسخ جوان و پیر، به نعت رسول اکرم (ص) می پردازد و از بیت ۲۷۰ به بعد، ابیاتی را در ستایش پیامبر گرامی اسلام و کوکب درخشان برج هدایت، امام علی (ع) آورده و منظومه را با این بیت به پایان رسانده است که

هزاران رحمت حق با سلامش

بر او باد و بر اولاد کرامش

در ابتدای مثنوی برای برجسته کردن موضوع به توصیف بهار و شرح مظاهر طبیعی پرداخته و این اشعار با روحیه اندوه زده جوان در مثنوی همساز و همدم است.

(به علت پایبندی شاعر به مذهب تشیع برای تهییج روح افسرده قهرمان داستان از سماع و غنا دم

ویژگی های بارزی است که شاعر در منظومه خود آن را دنبال کرده است.

شیوه سخنگویی شاعر از رشد و غنای تاریخی زبان فارسی و تحول تدریجی آن نشأت گرفته و تابع مقتضیات و خصایص آن عصر با کاربرد تعبیرها و اصطلاحات تازه تری بوده است. از سویی دیگر، در آرایه نکته های دقیق و ظریف عرفانی و انتقادات مؤثر اجتماعی تأثیر خاصی بر خواننده می گذارد. بررسی چنین منظومه هایی، ما را به این نکته واقف می سازد که همت خود را فقط به پژوهش آثار جاودانی نوابغ سخن معطوف نکنیم و اشعار و آثار گویندگان به اصطلاح درجه دوم را هم در خور پژوهش و تحقیق بدانیم. اینها سرمایه گرانهای ادب ماست و حفظ و نگهداری و معرفی آن وظیفه همه ماست.

یکی از بهترین مثنوی های قرن

۱۲ هجری، زائیده طبع و قادو

سحر آفرین میرزا نصیرالدین

محمد معروف به «خواجه نصیر

ثانی»، طیب و دانشمند و سخنور

دوره کریم است. استاد فقید

ملک الشعرا ی بهار در

«سبک شناسی» خود می نویسد:

«میرزا نصیر طیب اصفهانی،

مثنوی پیر و جوان را به لطافت

نظامی و پرمغزی حافظ سرود.»

نمی زند و ترنم و نغمه پردازی را از زبان مرغان (بلبل - تندر - قمری) وصف می کند. پیر از تمایل قلبی جوان به عشق استفاده می کند و حب نبی اکرم (ص) و خاندان طهارت را در دل او جای می دهد زیرا به این نکته توجه دارد که اصل رهبانیت و انزوا و گوشه گیری که دامگیر جوان شده است، در اسلام مقبول نیست.

همچون دیگر مثنوی های دوره قبل و آن روزگار، گله و شکایت از بخت و انتقاد از محیط و دم از ناسازگاری زدن و شکوه هایی که گاهی جنبه فردی دارد و گاه جنبه اجتماعی و گناه را به گردن فلک و چرخ گردان و گنبد دوار انداختن، بخشی از گفت و گوهای بین پیر و جوان را تشکیل می دهد. در این منظومه به اشارات متعددی از قرآن مجید و احادیث شریف نبوی و اخبار برمی خوریم که در مقایسه با منظومه های قبل و بعد از خود اهمیت چشمگیری دارد.

سیر و گذار معنوی از مرحله طریقت به شریعت و پیوندهای ناگسستی بین این دو مرحله و مقام از

بی نوشت: ۱۳۱۵

۱- همایی، علامه جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلد اول، ص ۱۵۶.

۲- همان.

۳- مجحوب، دکتر محمدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۳۲.

۴- همان، ص ۱۶۸.

۵- همان، ص ۱۷۲.

۶- زرین کوب، دکتر عبدالحسین، سیری در شعر فارسی، ص ۸۱.

۷- صفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش یکم ص ۵۷۵.

۸- رستگار، دکتر منصور، انواع شعر فارسی، ص ۴۶۱.

۹- همان، ۴۶۳.

۱۰- صفا، دکتر ذبیح الله، ورقه و گلشاه، ص ۱۳.

۱۱- پیشین (۸)، ص ۴۶۵.

۱۲- اقبال، عباس، کلیات عیدزاکانی، ص ۱۰۲.

۱۳- صفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد چهارم، ص ۲۳۶.

۱۴- طباطبایی، دکتر میراحمد، مثنوی پیر و جوان، خواجه نصیرالدین اصفهانی، ص ۱۲.

۱۵- بهار، ملک الشعرا، سبک شناسی نثر، جلد سوم، ص ۳۱۹.

۱۶- صورنگر، دکتر لطفعلی، منظومه های غنایی ایران، ص ۸۷.

۱۷- پیشین (۶)، ص ۱۲۷.